

فهرست:

۹	یادداشت نویسنده
۱۱	شیر پاک خورده
۱۵	شهردار فراری
۲۳	چای تلخ و آپارتمان دوازده واحدی
۳۱	آن که فهمید... آن که نفهمید
۳۷	بعضی پدرها بدجوری باختند!
۴۷	از آن بهشتی، تا این بهشتی!
۵۷	سیمان سنگر در ویلای لاهیجان
۶۳	خدمت در جبهه آلمان
۶۹	دیگر وقت ندارد برای شهدا بخواند
۷۵	میوه ته صندوق مال من، هواپیما مال تو
۸۱	پرستار وظیفه شناس
۸۷	جانش فدای مریم
۹۳	همه خواسته مادر شهدا
۹۹	شهدای سوسول! و تاجر دارو و لکسوز!
۱۰۵	عکس ها

یادداشت نویسنده

به نام حضرت دوست
گاهی اندیشه ام این بود: خاطرات را باید به همان شکل عریان و صریح
خود بیان کرد و بس!
زمانی تصورم بر این شد: فقط باید برخی خاطرات را گفت که شیرینی
خاص داشته باشند!
روزگاری خیال می کردم: خاطرات تلخ را - هرچند عین واقعیت - بیان
کردن، یعنی ضربه زدن به خط و راهی که به خاطر آن متحمل مشقات
بسیار شده ایم!
و امروز...

امروز که نه؛ دیروز!
یعنی چند سال اخیر.
دریافتم: ذکر برخی خاطرات تلخ در کنار ذکریات شیرین، هنری است
زیبا که پیام رسانی به جا و ارزشمندی در پی خواهد داشت.
من که همیشه با خاطرات خوش گذشته خویش روزگار سپری می کردم،
زمانی با کنار هم چیدن آن ها، به واقعیتی نو و عجیب دست یافتم. این
که، نسل امروز و آیندگان باید که با همه حقایق و وقایع آشنا شوند.
قرار نیست ما فقط خوشی های مسیر خویش را برای آنان بگوییم که

خدای ناکرده فریب خورند، با دل خوشی و سرمستی به راه درآیند و با بروز سختی و مشقتی، جا زنند!

و آن شد که دست به قلم بردم، فقط و فقط به خواست دل خویش و نه منظم و برنامه‌ریزی شده، هربار که احساس دل‌تنگی و گرفتگی از دوستان برجای مانده امروز دست داد، احوال آنان را با دوستان سفر کرده دیروز خودشان، به قیاس درآوردم.

اولین جرقه را نیز خداوند سبحان با این آیه زیبا و تکان‌دهنده، در ذهنم روشن کرد:

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ الْأَلْبَابِ
 آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر می‌شوند.

قرآن کریم - سورة الزُّمَر - آیه ۹

و همان شد که با عنوان «آن که فهمید، آن که نفهمید» پای در عرصه نهادم و امروز مجموعه آن، همراه با خاطراتی که چه‌یسا کم‌تر جایی ذکر کرده باشم، گردآوری شد و مقابل دیدگان پاک شما دوستان قرار گرفت.

امید که این خاطرات، که به قیمت جوانی بسیاری از عزیزان و فراق‌شان در وجودمان ریشه دوانیده، آن‌گونه که باید، بر دل نشیند و... و مایه عاقبت به‌خیری همه‌مان گردد.

ان شاء الله

حمید داودآبادی - تابستان ۱۳۹۲